

پنجه عقاب و توهم فتح جهان

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

در بازیهای سیاسی هشیار بمانند! همینطور اگر آزادگان برکشتار فلسطینیان خون بگریانند رواست که افشاء جنایاتی که علیه مردم بی خانمان فلسطین میشود ربطی به حمایت ممنوع از امثال حماس ها و گروه های ناقض حقوق انسانها ندارد که آنها هم مترصد برپائی، جمهوری اسلامی خود هستند و یا گروه محمود عباس و دولت خودگردان و فاسد بی بوته آنها! آنچه که مسئولیت ماست نشان دادن بی تفاوتی اقلأ مردم آمریکا به مسئله اشغال فلسطین است که گوئی اخبار مربوط به جنایات جمهوری اسلامی و امثال داعش ها و گروه های تروریستی اسلامی در ذهن آمریکائی ها جداً پشتوانه این بی تفاوتی است وگرنه مردم آمریکا در مورد جنگ و تینام سنگ تمام گذارند. در مورد کره شمالی و مذاکرات کنونی مینویسم که حمایت چین از کره شمالی مشروط است و با دستور آنها مذاکرات پیش میرود ویا آنچه خبرگزاری های جریان عمومی آمریکای شمالی و پیرو آنها امثال (Fox News) به اروپائیان نمی گویند یکی هم آشکار شدن طرح پنهانی امپراطوری برای حمله همه جانبه به کره شمالی و قبل از آن طرح ترور Kim Jang Un در سال ۲۰۱۶ است که برای نخستین بار اطلاعات کره شمالی ها (توبخوان چین) با نفوذ به وزارت دفاع کره جنوبی و کامپیوترهایش به آن رسید! تسریع برنامه هسته ای و متعاقب آن تولید موشک های دوربرد و حامل سلاح هسته ای در دستور قرار گرفت و کشوری فقیر چون کره شمالی هرگز نمی توانست خود به خود به این درجه از پیشرفت نظامی برسد که ظرف دو سال اخیر ۲۷ آزمایش هسته ای و موشکی انجام داده. کلید بنیادهای هسته ای آن یک رو نوشت واضح از برنامه هسته ای پاکستان است و چین اشراف کامل به آن دارد. طرح ترور جونگ اوون و بعد، خطر حمله نظامی به کره شمالی که بر ملا شد و اطلاعات بریتانیا هم از طریق عضو مجلس کره جنوبی در جریان قرار گرفت، مسابقه تولید موشکهای حامل سلاح هسته ای در کره شمالی شدت گرفت. در پایانه سال ۲۰۱۷ واشنگتن از این آمادگی موشکی با خبر شد که حتی کره شمالی میتواند به سیاتل و غرب آمریکا هم هدف گیری کند.

این روزها با داغ شدن اخبار درگیری دیپلماتیک بین ایالت متحده آمریکا و کره شمالی، مجدداً امپراطوری به دنبال تجدید عهد خود با پنتاگون و صنایع نظامی، رویای براه انداختن گونه دیگری از "Splendid little Wars" یا جنگهای کوچک و اما با شکوه است. اصطلاحی که رئیس جمهور Mc Kinley در سال ۱۸۹۸ و در مورد تهاجم و فتح فلیپین بکار برد که ضمن آن وی دستور قتل عام صادر کرد و نوشت که به منظور "ام و متمدن و مسیحی نمودن وحشی ها" این حمله ضروری است! جنگهایی از نوع حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ و جنگ افغانستان تنها دنباله قتل عام مردمان آمریکای مرکزی و لاتین در سال های ماضی بوده من پیش از پرداختن به مسئله کره شمالی می نویسم که ژنرال Wood در سال ۱۹۰۶ و در فلیپین، قبیله موروز را قتل عام کرده به واشینگتن نوشت که ۶۰۰ نفر را کشتم و بچه ای را هم رها نکردیم تا در مرگ مادرش بگریید. قبیله موروز در قله کوهی برای مقاومت علیه سپاه آمریکا سنگر بندی کرده بودند. در همین پیوند Mark Twain نویسنده مشهور به تئودور روزولت پاسخ داد که شما برای این جنایات پیام تبریک فرستادید ولی ما به فلیپین رفتیم که آنجا را فتح کرده و مردمانشان را به بردگی و اسارت کشیم. من یک ضد امپریالیست هستم و نمی خواهم پنجه عقاب (نشان آمریکا) بر سرزمین دیگری فرود آید! این جنگهای توسعه طلبانه و امپریالیستی رو نوشتی امروزه از War Plan یا طرح جنگی امپراطوری است که از زمان تاسیس آمریکا و ریاست جمهوری جورج واشینگتن آغاز شد و قتل عام بومیان و صاحبان آمریکا آغاز کار بود و حمله و غصب کالیفرنیا، تگزاس و... که ایالتهای شمالی مکزیک بودند ادامه کار بود. لشکرکشی به آمریکای مرکزی و کودتاهای بخش جنوبی کشورهای لاتین بر آن اضافه شد. امروز آمریکا در پی مدیریت نظامی جهان و توهم آقائی دنیا درصدد اتمام محاصره نظامی چین است و کره شمالی باید راه باز کند. باید خاطر نشان کرد که افشاء تهاجمات امپراطوری امپریالیستی ربطی به سفید شوئی حکام محلی چون صدام حسین ها ندارد که عمدتاً و اغلب نوکران و متحدین خود و امپراطوری بودند و نتوانستند

واشینگتن آگاه از این ماجرا و در دولت رئیس جمهور ترامپ از طرفی به حملات تبلیغاتی افزود و چون مورد عراق، کره شمالی فقیر و در زحمت را خطر نخست صلح جهانی معرفی نمودن از سوی دیگر دست دوستی دراز کرده و زدن کره شمالی را بسیار پرهزینه و منفی ارزیابی نمود.

آنچه مورد بحث قرار گرفته، موفقیت سریع کره شمالی در تولید موشک های موسوم به Hwasong-۱۴ است که فعلاً نمی تواند پیش از پانصد کیلوگرم باشد، چراکه مدل تولیدی اش رو نوشت پاکستانی است! آنچه که برملا شده یکی هم اینکه کره ای ها اگر چه در سیستمی موسوم به دولت پلیسی زندگی می کنند ولی هرگز از گرسنگی و درگروه های انبوه جان نمی بازند! شهرها بکلی و با امداد غیبی نوع چینی مدرن و قابل زیست شده است. از سوی دیگر شورای امنیت سازمان ملل متحد هم مقهور مانورهای آمریکاست و چشم بر تهدیدهای دائمی این کشور علیه کره شمالی می بندد. جهانیان میدانند که کشورهای عضو سازمان ملل متحد مصون از تهاجم و سلطه دیگران هستند ولی طوفان تبلیغاتی و ضد اطلاعاتی انحصارات امپریالیستی با شیطان سازی های دائمی هدف های نظامی آمریکا را آماده می کنند و نهاد ملل متحد هم فقط نظاره گر میماند! مثلاً وقتی دادگاه بین المللی عدالت در سال ۱۹۸۶ آمریکا را در مورد دست اندازی به امور نیکاراگوئه محکوم شناخت، امپراطوری مذکور اعتنائی نکرد و سریع هم از نهاد بین المللی صرف نظر کرد!

طرفه اینکه در مورد تهاجم به فیلیپین هم تنودور روزولت (۱۹۰۶) به ژنرال وود Wood که قبیله ای را در کشور ازم تیغ گذرانده بود نوشت که بله سربازان مسیح پیروزی دیگری آفریدند و من به شما برای حفظ کیان و آبروی پرچم آمریکا تبریک می گویم!

آنچه که تدریجاً روشن میشود اینکه، مردم ستمدیده کره شمالی چون مردم عراق و افغانستان و یمن و ... در جنگ قدرت ها وزیر سلطه دیکتاتوری های محلی طعمه جنگ افروزی های نمایندگان سیاسی میشوند. کره شمالی که رئیس جمهور ترامپ آن را وحشی خواندند نه خطری برای صلح جهانی که هدف صلح ستیزان جهانی است. کره جز ذغال سنگ و آهن و مس چیزی برای صادرات ندارد، چون سوریه و عراق و افغانستان و سایرین. آنجا اگر دموکراسی نیست ولی کدام متحد آمریکا در آسیا دموکرات است! نیکوتر آنکه اروپا از همراهی آمریکا در جهت پیاده نمودن جنگهای کوچک اما با شکوه آن خودداری

کند که مردم آمریکا خود به راستی نخستین نفراتی هستند که از این توهم امریکائی دائر بر آقائی توخالی بر جهان زیان دیده اند. جهان چند قطبی امروز را شاید رشد افزون تر طبقه کارگر جهانی و ۹۹ در صدی ها در جهت برای خود شدن آنها، پاسخی صلح آمیز باشد و آینده ای بهتر از امروز.

به عنوان حرف آخر و سخن پایانی مینویسم که اروپا و غرب از سالهای ابتدائی قرن ۱۵ تا دویست سال بعد تلاش کرد که نوع دیگری بیاندیشد و جهان و جامعه را دگرگونه پژوهش نماید. ابتدای جوانه های سرمایه داری و این دگراندیشیدن به طوفانی از اختراعات و اکتشافات رسید و سرمایه داری قوام یافت. در این جریان اما که سرمایه داری و بانیان آن باور داشتند که باید طبیعت را برای تغییرش و کسب سود تحت سلطه در آورند. همین دید را نسبت به زحمتکشان و انسانها توسعه دادند و نه تنها به لحاظ اقتصادی که در کانال اجتماعی هم سلطه بر دیگران بخش جدا ناشدنی سرمایه و سرمایه داری شد که من چشمه ای از آن را از مقاله جدید نیکلاس دیویس (کره شمالی سپر دفاعی هسته ای) از یک سو و کتاب هاوارد زین (مردم سخن می گویند) قلمی نمودم. آنچه که آمریکا و سایرین می کنند در طبیعت و هدف زندگی صاحبان انحصارات و نمایندگان سیاسی آنهاست ولی مسئولیت عمده ما بر میگردد و به ترویج همواره بدلیل اوضاع کنونی که سوسیالیسمی انسان محور و صلح طلب و زیست محیطی است. این امر یعنی رها شدن یکایک اهدافی که انحصارات برای تسخیر بازار و مملکت آنها دور خیز کرده اند. ما نیز باید اهداف ضد امپریالیستی خود را دگرگونه و از طریق سرنگونی حامیان محلی و تروریسم وطنی تعقیب نمائیم. غم انگیز است که سرنوشت ما و سوریه و کیم جونگ اوون با یک قلم رقم می خورد. که برای مهار جنگ های ویران گر چون جنگ علیه جمهوری اسلامی (که به نفع رژیم بربریت است) زدن دشمن بومی و خودی مردم ایران اولویت میابد و گرنه این فریادهای ما شکوه ای گذران خواهد بود و بس.
